

تجربه دیگران

تصاویر محدود از زندگی روزمره کره‌شمالی

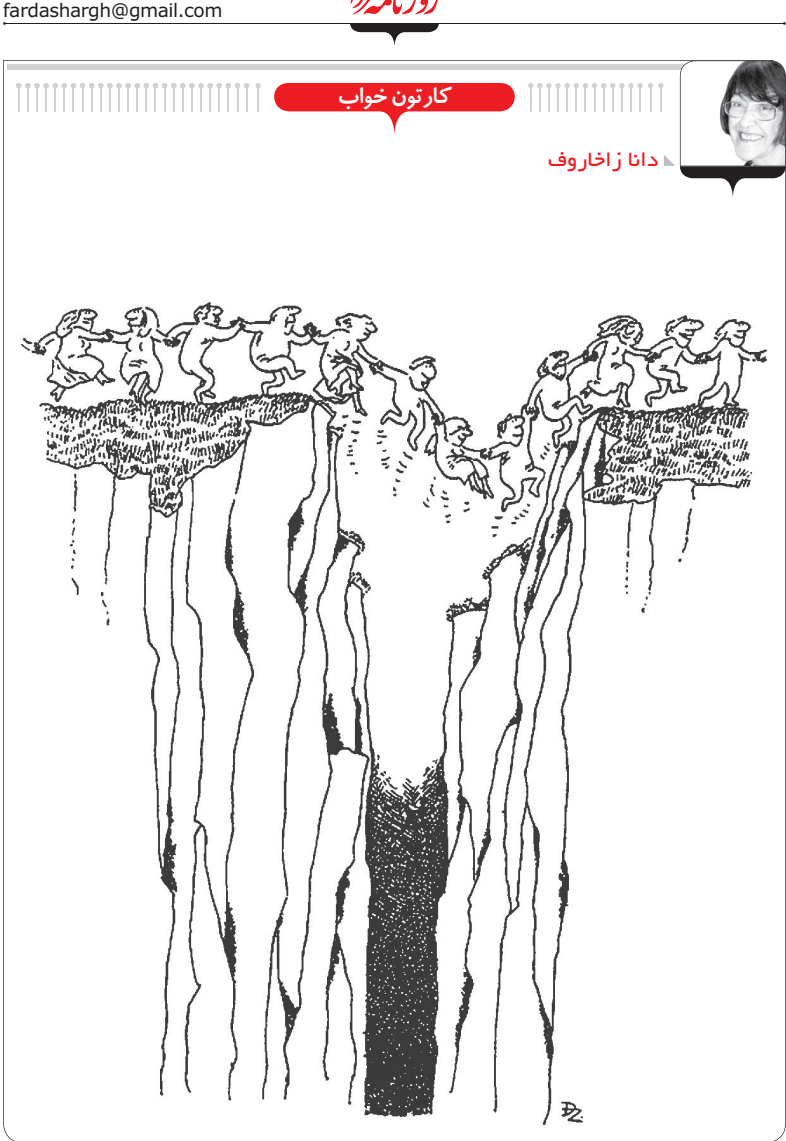
● کره‌شمالی با تمام کشورها تفاوت دارد. مجموعه اطلاعات و تصاویر درباره کره‌شمالی محدود است. آن چنان محدود که در هر جست‌وجویی شاید بتوان فقط به چند مجموعه رسید؛ ازجمله عکس‌های دیوید گوتنفلدر. البته یکی از مشهورترین مجموعه عکس‌های او متعلق به دوران تسلط کیم ایل در کره‌شمالی است. عکس‌هایی که در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ گرفته شده است. واشنگتن‌پست و تایم هرکدام بخش‌هایی از آن را منتشر کرده‌اند. در واقع کره‌شمالی پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرد و در شش دهه گذشته یکی از کشف‌نشده‌ترین و خلوت‌ترین کشورهای جهان بوده است. این کشور به طور کامل تحت کنترل دولت است، رسانه‌های محلی به‌شدت بررسی می‌شوند و مطبوعات خارجی به طور عمده در آن حضور ندارند. گوتنفلدر با دسترسی حداقلی، بیش از ۴۰ سفر به کره‌شمالی در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ داشته و از رویدادهای بزرگ دولتی تا زندگی روزمره روستایی را به تصویر کشیده است.او در نهایت به آسوشیتدپرس کمک کرد تا یک دفتر را در کره‌شمالی باز کند. گوتنفلدر برنده هشت عکس برتر جهانی عکس است؛ اما اگر کسی بخواهد بیشتر درباره کره‌شمالی ببیند، با وجود گسترش شبکه‌های اجتماعی باز هم حق انتخاب اندکی دارد. ایسنا چندی پیش در گزارشی از بیزنس اینسایدر مجموعه‌ای از حساب‌هایی را که در اینستاگرام به ثبت زندگی روزمره کره‌شمالی می‌پردازند، معرفی کرده بود. دروکلی معلمی است که سه سالی می‌شود در پیونگ‌یانگ به سر می‌برد. شین چو یک معلم دیگر در پیونگ‌یانگ است. شین به جای عکاسی از مناظر، تصاویر زندگی روزمره مردم در پایتخت کره‌شمالی را در صفحه خود منتشر می‌کند.ونگ مایی و ریک تالمج، عکاسان خبرگزاری آسوشیتدپرس هستند که برای مأموریت به کره‌شمالی سفر می‌کنند؛ اما در سنگاپور و ژاین مستقر هستند.وری تور یکی از شرکت‌های برگزاری تورهای گردشگری در کره‌شمالی است که عکس‌های تورهای خود را در اینستاگرام می‌گذارد؛ بنابراین با دیدن این عکس‌ها می‌توانید تصور کنید که سفر به کره‌شمالی چطور خواهد بود.جاکا پارک اصلیت اندونزیایی دارد و درحال حاضر با خانواده‌اش در پیونگ‌یانگ زندگی می‌کند.اگر هم بخواهید مجموعه این عکس‌ها را یکجا ببینید، می‌توانید به حساب کاربری everyday-DPRK مراجعه کنید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۷ • ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۱۵ آگوست ۲۰۱۸ • سال یازدهم • شماره ۳۲۲۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۱۳ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنامه‌فردا



سلام به فردا

عده‌ای از خوبی مردم سوءاستفاده می‌کنند

می‌کند؛ همچنان‌که گوردون چاپلید، مردم‌شناس و باستان‌شناس استرالیایی، گفته و این را عنوان یک کتاب خود قرار داده است: «انسان خود را می‌سازد». اگر من به‌جای مسئولان بودم، مهندسی اجتماعی (Social Engineering) به راه می‌انداختم، به‌طورکلی اصلاحات یا از پایین صورت می‌گیرد یا از بالا. مهندسی اجتماعی و اصلاحات از بالا به هر شکل باید هرچه سریع‌تر انجام شود. باید مراکز قدرت و نهادهای مسئول مورد بازخواست و احیاناً محاکمه قرار گیرند. باید به آن خانواده‌های معدودی که در پشت کل مسائل کلان اقتصاد کشور هستند، پرداخت. درحال‌حاضر دیگر فقط مشکل اقتصادی مطرح نیست. باید به مردمی که آگاه شده‌اند و حق خود را می‌خواهند، توجه کرد. مهندسی اجتماعی می‌تواند فضا را آرام‌تر کند، ولی باید مسئولان به خود ببایند و مردم را باور کنند و حرکتی را که از رده‌های پایین جامعه به راه افتاده و بهانه آن اقتصاد است، درک کنند تا بتوان از هر خطری پیشگیری کرد.

رشوه‌گیری‌ها، رانت‌ها و باندبازی‌ها را تحمل می‌کنند. کدام مردمی را سراغ دارید که تا این اندازه بردبار باشند. مردم بد نیستند، اگر بدی وجود دارد باید در جایی دیگر به دنبال آن گشت و در نحوه اداره کشور، اگر به شکاف طبقاتی اعتراض دارند و به خط فقر که روزبه‌روز بالاتر می‌رود و به سوءاستفاده‌ها و باندبازی‌ها و... نباید به آنها ایراد گرفت و مدام خدمت‌های خود را به رخشان کشید. هر جامعه دیگری بود، از لحاظ جامعه‌شناسی تا این اندازه تحمل و صبر و حوصله نداشت که این مردم دارند. انتظار دارید مردمی که از اول فروردین تا این زمان درآمده‌شان نصف شده است، چه کنند؟ تقصیر از جریان‌ها و خانواده‌هایی معدود است که سوءاستفاده می‌کنند، نه مردم. مردم ما در تمام طول تاریخ خوب بوده‌اند. شرایط جامعه امروز چنان است که می‌توان گفت مردم به آنچه کارل مارکس «خودآگاهی طبقاتی» نامیده، رسیده‌اند. این اقتصاددانان اینکه مردم می‌توانند سرنوشت خود را در دست بگیرند، سخن گفته بود. جامعه راه خود را پیدا



امان‌الله قرابی‌مقدم جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

ما مردم واقعا خوبی داریم. اصلاً مشکلی در مردم ما نیست. اگر خوب نبودند که الان وضع ما این نبود. از خوبی مردم است که عده‌ای سوءاستفاده می‌کنند والا مردم ما هیچ عیبی ندارند، اما عده‌ای از مکانیسم دفاعی فراقطنی استفاده می‌کنند و سعی دارند گناه ندانم‌کاری‌ها و سوءاستفاده‌ها و آقازادگی و ژن خوب و برتر را بر گردن مردم بیندازند تا خود را بری کنند. این مردمی هستند که خون داده‌اند و جوان‌هایشان را داده‌اند و هشت سال از کشور دفاع کرده‌اند. چه انتظار بیشتری از آنها وجود دارد؟ الان بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ گذشته است و مردم با تمام مشکلات و معضلاتی که برایشان پیش آمده است، دارند گرانی، تورم، فقر، کاهش درآمد، بی‌کاری، شکاف طبقاتی، سوءاستفاده‌ها،

میدون و سوفیا

حلقه گمشده داروین در ایران کشف شد

مرغ بودجه خوار

موضوع انشا این است که کی چی خوره و کی چرا خورده؟ با تشکر از معلم خوبم که این موضوع را به ما داد انشا‌یم را این‌گونه آغاز می‌کنم: یک مدت اصلاحی‌ها می‌گفتند افراطی‌ها نباید بخوربخور کنند. ما هم شعار می‌دادیم ای غارتگر بیت‌المال! ای رانت‌خوار! ای بودجه‌خوار! وای بر تو. بعد به اصلاحی‌ها رای دادیم و متوجه شدیم که اینها آن‌موقع که می‌گفتند افراطی‌ها نباید بخورند منظورشان این بوده که مگر اینها دندان ندارند؟ و چرا اصلاحی‌ها نباید بخورند؟! بعد اصلاحی‌ها دیدند ما احساسی هستیم و تا دو دوتا چهارتا سرمان می‌شود. گفتند می‌دانید چرا ما خوریم؟ چون اگر ما نمی‌خوردیم آنها می‌خوردند. با این منطق واقعا مدتی ما احساس آرامش کردیم، چون به‌رحال مهم بود که آنها نخورند. درواقع ما حاضر بودیم آنها نخورند، هرکی می‌خواهد بخورد، اما بعد فهمیدم چه اینها بخورند، چه آنها بخورند، این بیت‌المال و زمین و اراضی و جنگل‌ها و کوه و منابع کشور است که دارد خورده می‌شود.

اصلاحی‌ها اما چون آدم‌های باهوشی بودند، چندتا از ما احساسی‌ها را استخدام کردند و پروژه دادند که ما بشویم روابط‌عمومی‌شان تا روابط خصوصی‌شان را مدیریت کنیم و به جان عالمی هم که موفق بودند. اما کمی بعد که رسانه‌های اصلی رفت توقیف، هم اصلاحی‌ها و هم افراطی‌ها جشن گرفتند، چون فکر کردند آب‌ها از آسیاب افتاده و دیگر معلوم نمی‌شود کی بخوربخور کرده.

تا اینکه دست طبیعت اینترنت را اختراع کرد. درواقع اینترنت آخرین حلقه تکاملی داروین است که دست انسان و حیوان را رو می‌کند. خلاصه بعد از سو قیف رفتن مطبوعات، اینترنت آمد و با اختراع اینترنت فیلتر از راه رسید. تا اینکه تعداد راه‌های رسیدن به اینترنت شد به اندازه تعداد فیلترشکن‌های موجود در بازار که کم هم نبودند.

تویتر، تلگرام و فیس‌بوک (اینستاگرام این وسط خیلی سوسول محسوب می‌شود و فقط دنبال فرو فروش است) توانستند یک‌تته آب را بریزند در سوراخ تاریخی مورچگان بودجه‌خوار. تا آب ریخته‌شده توی سوراخ این دانشمندان، یکهو اصلاحی و افراطی همه شدند فعال حقوق فرهنگی و هی توی این تاتار و آن کاری شرکت می‌کنند و از آزادی‌های فردی دفاع می‌کنند. البته چندتا که باز باهوش‌تر هستند، دوباره چندتا از ما احساسی‌ها را استخدام کردند تا جای آنها توییت کنند و توی اینستاگرام عکس ساختارشکن منتشر کنند. البته درست است که هر گروهی مثبت و منفی دارد و گناه پدر را پای پسر نمی‌نویسند، اما بعضی از فرزندان هستند که وصل شده‌اند به پدرانشان که به بودجه و رانت و فلان وصل بوده.

این بود خلاصه انشای ما.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... یک مرغ مگس خوار داریم یک نفر بودجه‌خوار. کاش غذای این دوتا عوض می‌شد. عاشق خورده‌شده توی میدون دوم

پیشنهاد

بزرگداشت «حسن توفیق» و ۵۰ سال طنز مطبوعاتی در کتابخانه ملی

آیین بزرگداشت «حسن توفیق» و ۵۰ سال طنز مطبوعاتی ایران به همراه تجلیل از محمدرضا تهرانی، مجموعه‌دار مطبوعات طنز، برگزار می‌شود.به گزارش روابط‌عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در این برنامه که دوشنبه، ۲۹ مرداد، ساعت ۱۷ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، واقع در بزرگراه حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، خروجی کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مرکز همایش‌ها، تالار حکمت برگزار می‌شود، کامبیز درمبخش، احمد عربانی، احمد مسجدجامعی، هادی خانیکی، سیدفرید قاسمی، غلامرضا کیانی‌رشید و هادی حیدری سخنرانی می‌کنند.

خبر

تاییم در یک ویدئوی یک دقیقه‌ای به مرور کوتاهی بر آرایش موهای زنان سه کشور ایران و آمریکا و کره‌شمالی پرداخته است. این ویدئوها از سری صد سال زیبایی است. در ویدئویی که از ایران منتشر شده، در یک دقیقه درحالی‌که مدل ثابت است، نحوه آرایش مو و استفاده از روسری و حجاب او تغییر می‌کند تا منعکس‌کننده روند تغییرات زیبایی در ایران در صد سال گذشته باشد. در ویدئوی آمریکایی به تغییرات آرایش زنان سیاه و سفید در یک دقیقه این آرایش موها را در ۱۰ دهه گذشته بررسی کرده است. اما در تصاویر کره از دهه ۱۹۵۰ به دلیل تقسیم کره به کره‌شمالی و کره‌جنوبی تفاوت‌ها محسوس است و رفتار شاد و آزاد زنان کره‌جنوبی در برابر زنانی را که ناگزیر به انجام فعالیت‌های ارتشی و کشاورزی در بخش شمالی هستند.

شهرداران - ۳

پشت هر شهر موفق یک زن ایستاده

آزاده تاج‌علی

سال‌هاست با جمله پشت هر مرد موفق یک زن است، بازی‌های زن‌ستیزانه یا مردستیزانه بسیاری شکل گرفته اما در پایتخت کشور چکمه‌ای، شهردار برای فعالیت‌های اجتماعی و محبوبیتش، یک کمپین دوست‌داشتنی با همین خمیرمایه در صفحات مجازی‌اش راه انداخته است. کمپین صادق «BehindEveryGreatCity» نام دارد. در وبسایت دولت انگلستان درباره‌اش این‌گونه می‌خوانیم: به نشانه گرامیداشت زنی که نخستین بار در بریتانیا به حق رای دست یافت و برای تحقق برابری جنسیتی، شهردار لندن برنامه‌ای یک‌ساله پایه‌گذاری کرده است تا برای حقوق زنان دست‌وپنجه نرم کند. این کمپین شامل کنششی هنری می‌شود که هنرمندان زن را در ریززمین لندن به جامعه معرفی می‌کنند. از فعالیت‌های دیگر این کمپین می‌توان به پرده‌برداری از مجسمه «میلیسنت فاوست» هم اشاره کرد. صادق همین اردیبهشت یعنی دقیقاً ۲۴ آوریل به اجرای این برنامه هنری و البته سیاسی‌اش دست یافت. او به‌این ترتیب نام خود را به عنوان نخستین شهردار مرد با مدال افتخار نصب نخستین مجسمه زن در میدان پارلمان انگلیس، ثبت کرد؛ ریزا تمامی مجسمه‌های این میدان، شمایل مردان را علم کرده بودند.

او با همکاری و حضور «ترزا می»، دومین نخست‌وزیر زن انگلیس، مراسم پرده‌برداری را باشکوه هرچه‌تمام‌تر برگزار کرد و علاقه خود را به هنر، سیاست و حق‌طلبی زنان به رخ کشید. البته شهردار لندن در میدان دیگری هم کل کاشت؛ میدان ترافالگار که معروف‌ترین میدان شهر است و بناهای یادبود و هنری بسیاری آنجا قرار دارد. یکی از جاذبه‌هایش هم «fourth plinth» نام دارد؛ پایه ستون چهارم. در این میدان چهار ستون بود که برای نصب مجسمه‌های خاص کارایی داشت اما پایه ستون چهارم‌ش سال‌ها بی‌مجسمه مانده بود تا اینکه صادق شهردار شد و تصمیم گرفت این ستون را به هنرمندان معاصر انگلیس و دیگر کشورها ببخشد. از آن به بعد، مردم شهر و گردشگران روی این پایه آثار هنرمندان معاصر انگلیس و دیگر کشورها را می‌بینند و دعوائی هم نیست که چه اثری تا ابد آنجا بماند.

استوری‌های شلوغ صادق

دیدن استوری مدتی‌هاست جذابیت بیشتری برای کاربران اینستاگرام پیدا کرده است. صبح که بیدار می‌شویم، هر دوست و آشنایی را با تعداد خط‌فاصله‌های استوری‌اش خیلی سریع ارزیابی می‌کنیم. در این میان چهره‌های سیاسی و اجتماعی کمتر دست‌خوش این تغییر و تحول اینستاگرامی شده‌اند و شان و جبروت نامشان را با این جوانک بازی‌ها دچار نوسان نمی‌کنند.

اما صادق خان از جمله کاربرانی است که این کارایی فضای مجازی را برای هر چه بیشتر نشان‌دادن فعالیت‌هایش به کار می‌گیرد. او بیشتر صبح‌های صادقی که ما در ایران موبایل به دست می‌گیریم تا از کار هستی به صورت مجازی سر دربیاوریم، استوری‌های پُرخط فاصله دیشیش را به ما می‌نمایاند. خط فاصله‌هایی که می‌گوید او با کت و شلوار تشریفاتی و خوش‌دوخت‌ش یا با ژاکتی اسپرت، با جدیت آمیخته به لیخنند در می‌گردد، همایش، افطار، بازدید یا رویدادی خیابانی کنار مردم حضور داشته است.

این کار برای ما در آسیا و ایران خیلی هم غریب نیست. مدیران و مسئولان ما نیز برای نشان‌دادن فعالیت‌ها و تلاش‌های معطوف به بهبود زندگی مردم تمایل فراوان دارند. اما آیا توانسته‌اند مخاطبان واقعی، پرشمار و پیگیری برای خود دست‌وپا کنند؟ به‌یقین هنوز خیر.

شاید وجه تمایز این شهردار اروپایی در وانمایی حضورش در خیابان و محل کار و بازدید، نوع نگاه و سبک طبیعی و غیراداری برندیگ خود باشد. بدون در نظر گرفتن میزان و کیفیت حضور شهردار لندن در نشریات معتبر بین‌المللی و انگلیسی، صادق در صفحات مجازی‌اش کلام دوستانه و عصافورت‌نداده را برگزیده است. ترفندی که همه‌جا کارگر می‌افتد و نتیجه‌های باورنکردنی دارد.

مثلاً اگر صادق یک مذاکره بین‌المللی برای حل‌وفصل بحران مسکن در بریتانیا ترتیب دهد، از خبرنگاران و واحد روابط‌عمومی خود نمی‌خواهد که برای وبسایت و صفحات مجازی‌اش سخنان او را موبه‌مو مخابره کنند. یا نمی‌آید وعده‌های ناشدنی و پیش‌خبرهای «به‌زودی مشکل مسکن در لندن حل می‌شود» تایپ کند؛ بلکه به کمک مشاوران خود ترتیبی می‌دهد تا محتوایی که زیر نام کوچک او با یک تیک آبی، در اینستاگرام منتشر می‌شود، صمیمانه و مانند یک مکالمه تلفنی بین دو همکار، ساده باشد.

او سوم جولای عکسی از خود و خانم «آدا کولو» در اینستاگرامش منتشر کرد که نشان می‌داد دو انسان معمولی در راه‌پله می‌خندند. شهردار لندن و شهردار بارسلونا از پله‌ها بالا می‌آیند و به یک دوربین لیخنند می‌زدند. شمار عکاسان عرق‌ریز برای ازدست‌ندادن یک ثانیه از حرکات این دو شهردار هم در هیچ جای کادر دیده نمی‌شد. کپشن صادق هم این بود: «فقط لندنی‌ها نیستند که مشکل خانه‌دار شدن دارند. بیشتر پایتخت‌های دنیا این مشکل را دارند. به‌خاطر همین شهردار بارسلونا خانم آدا‌کولو را دیدم تا دانشمان را با هم شریک شویم و مشکلات خانه‌دارشدن همنه‌روی‌هایمان را با هم حل کنیم».البته باید توجه داشت که صادق در صفحات مجازی خود کاملاً انتقادپذیر است و راه را برای کامنت‌گذاری هر کاربری باز گذاشته؛ کاری که شاید کمتر مسئولی برای آن جرئت داشته باشد.